

حجت جاودان

مهدی دشتی^۱

چکیده: در اینکه آیه تطهیر (بخش آخر از آیه ۳۳ سوره احزاب)، دلالتی تام بر عصمت و طهارت پنج تن آل عبا علیهم السلام دارد، جای هیچگونه تردیدی نیست و این موضوعی ثابت شده است.

لکن با بررسی های انجام شده نکات دیگری هم حاصل می شود که بسیار حائز اهمیت است: اولاً: مفعول به فعل یُرید، در تقدیر است و این امری مهم در جهت فهم مدلول آیه است که متأسفانه اغلب نویسندگان بدان بی توجه بوده اند.

ثانیاً: بنابه فرمایش پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام، رجس در این آیه به معنای "شک" است. شک مذکور نه در اهل بیت، که در ذهن مردم بوده که می پنداشتند چه بسا اهل بیت هم مانند دیگران مسبوق به گناه یا سهو و نسیان بوده باشند و یا در آینده مرتکب آن شوند. لذا خدای عالم با انزال این آیه شریفه، اذهاب این شک از ذهن همه شاگین، نمود.

ثالثاً: پیش از نزول آیه تطهیر، هم در قرآن کریم به طور غیر مستقیم و هم در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان طهارت و عصمت اهل بیت شده بود و مردم با این معنا کاملاً آشنا بودند، لکن با نزول این آیه، در قرآن نیز بدان تصریح و تاکید شد و در نتیجه حجتی جاودان بر این معنا گشت.

کلید واژه ها: آیه تطهیر، اهل بیت، رجس، شک، عصمت.

مقدمه

در این نوشتار، قصد آن نیست که درباره آیه تطهیر از جهت چگونگی نزول، و خصائص آن و اثبات آنکه اهل بیت در این آیه؛ پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و حسنین علیهم السلام هستند، بحث کنیم که بحمد الله در این باره از دیرباز تا کنون کتب و رسالات بسیاری هم از جانب علمای مکتب اهل بیت و هم بزرگان مکتب خلفا نوشته شده که خوشبختانه نزدیک به تمامی آنها موجود است.^۲

بلکه مراد اصلی، توجه دقیق‌تر به قرائن متنی و خارجی است که در فهم مدلول آیه

۱. از جمله کتبی که علمای شیعه، مستقلاً در باب آیه تطهیر نوشته‌اند می‌توان بدین آثار اشاره کرد: عسکری، حدیث الکساء فی مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل البیت؛ عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر؛ ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین؛ الفاضل الاصفهانی، رساله تطهیر التطهیر؛ صافی گلپایگانی، رساله فی تفسیر آیه التطهیر.

و از جمله آثاری که دانشمندان شیعه در بخشی از آنها بدین بحث پرداخته‌اند: میلانی، نفحات الازهار فی خلاصه عبات الانوار، ج ۲۰؛ شوشتری، احقاق الحق، ج ۲؛ شیخ حرّ عاملی، فوائد الطوسیة؛ ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین؛ استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره؛ علامه حلّی، نهج الحق و کشف الصدق؛ شیخ مفید، مناظرات ترجمه آقا جمال خوانساری؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱ و ۳۵؛ مجلسی، مرآت العقول، ج ۳؛ مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۸؛ مجلسی، حیات القلوب (ج ۵) امام شناسی؛ بحرانی، غایه المرام؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴؛ عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۵؛ شرف الدین، الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء و همه تفاسیر شیعی ذیل آیه التطهیر.

و از جمله آثار درجه اول علمای اهل سنت که درباره این آیه و شناساندن اهل بیت بحث مفید کرده‌اند: صحیح مسلم ۱۳۰/۷، صحیح ترمذی ۷۵/۱۲؛ مسند احمد بن حنبل ۲۹۲/۶ و ۳۲۲، ۲۵۸/۳؛ مستدرک حاکم نیشابوری ۱۴۷/۳ و ۱۵۸ و ۱۷۲؛ تفسیر طبری ذیل آیه ج ۲۲ ص ۶ و ۷؛ مسند طرابلسی ص ۲۷۴، مجمع الزوائد باب فضائل اهل البیت ۱۷۲/۹؛ خصائص نسائی ص ۴؛ شواهد التنزیل الحافظ الحاکم الحسکانی ۲/۱۲ ح ۶۳۷ الی ۷۷۴؛ تفسیر فخر رازی ذیل آیه و تفسیر الدر المنثور سیوطی، ۱۹۸/۵. و همچنین برای آشنایی با دیگر منابع اهل سنت در این ارتباط بویژه شبهاتی که کرده‌اند و پاسخهایی که علماء شیعه بدانها داده‌اند ← احقاق الحق قاضی نور الله شوشتری با حواشی بس ارزشمند مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی جلد دوم به بعد؛ نفحات الازهار فی خلاصه عبات الانوار، السید علی الحسینی میلانی جلد ۲۰؛ غایه المرام مرحوم علامه شرف الدین.

۲. متأسفانه بعضی از این کتب از میان رفته است مانند کتاب الامامه از مرحوم شیخ طوسی رحمه الله

علیه - طوسی، تفسیر التبیان، ج ۸ ص ۳۴۱.

تطهیر، مدخلیتی تام دارد و تا حدودی نسبت بدان‌ها کم توجهی شده است. این توجه ما را به معنایی از آیه رهنمون می‌شود که خود به خود بسیاری از نتیجه‌گیری‌ها و نیز شبهات را بی‌وجه می‌نماید.

و اما برای آنکه بحث صورتی منظم داشته باشد. ابتدا پیشینه بحث را بیان می‌داریم سپس به بررسی تفصیلی مباحث می‌پردازیم، امید که مفید افتد و راه‌گشا باشد.

الف: پیشینه بحث:

نگاهی به پیشینه بحث، نشان می‌دهد که اکثر آنانی که در باب آیه تطهیر بحث نموده‌اند مفعول به فعل یُرید را "اِذْهَاب" دانسته‌اند^۱ این مطلب با عنایت به آنکه لام "لِیُذْهِبَ" را هم لام تعلیلیته دانسته‌اند، جای بسی شگفتی دارد. چرا که این لام بر سر مفعول له یا به عبارتی مفعول لاجله می‌آید، در نتیجه "اِذْهَاب"، مفعول له می‌شود و نه مفعول به^۲. لذا تمامی بحث‌هایی هم که برای مبنا (مفعول به دانستن "اِذْهَاب") در باب نوع اراده شده است^۳ بی‌وجه می‌گردد.

البته در این میان، بوده‌اند عزیزانی که مفعول به یُرید را غیر از "اِذْهَاب" دانسته‌اند لکن در تشخیص مفعول به مقدر به خطا رفته‌اند^۴ چرا که در این صورت با اصل آیه تطهیر که مستقلاً و در شأن اهل بیت نازل شده است، در تناقض می‌شود. از سوی دیگر "عن" را هم غالباً به معنای "مِنْ" گرفته‌اند^۵ و در نتیجه دچار این مشکل

۱. مانند مفید/۵۴؛ مجلسی: ۲۳۳/۳۵؛ طوسی: ۳۴۰/۸؛ ابطحی: ۹/۲؛ طباطبایی: ۴۶۹/۱۶؛ سبزواری نجفی: ۴۲۷/۱؛ طیب: ۵۰۱/۱۰؛ مکارم شیرازی: ۲۳۷/۱۳؛ قرآنی: ۴۶۱/۹.
۲. بعضی این لام را زائده یعنی مفید تأکید دانسته‌اند که بنا به نظر ابن حشام قولی ضعیف است -- < المغنی، ۲۸۵/۱.

۳. تکوینی: سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، ۴۲۷/۱، ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۱۰/۲، طیب، تفسیر اطبیب البیان، ۵۰۱/۱۰، مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المُنزَل، ۲۳۷/۱۳، طباطبایی، المیزان، ۶۴۹/۱۶، قرآنی، تفسیر نور، ۳۶۱/۹. تشریحیه: عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر، ۶۷ و ۷۵ و ۸۵. نه تکوینی و نه تشریحیه: مغنیه ۵۵۴/۱.

۴. عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر، ۶۷ و ۸۵.

۵. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۵۹/۴.

شده‌اند که رجس را باید از خود اهل بیت دور نمایند لذا ناچار بدین مطلب روی آورده‌اند که "اذهاب" در این آیه به معنای "حذف" یا "دفع" است و نه رفع، که خود مشکلی دیگر است چرا که دقیقاً مغایر است با کلام امام باقر علیه السلام که فرمودند: رفع الله عنهم الرجس و هو الشک.^۱

و خداوند رحمت کناد دو بزرگواری را که "عن" را در معنای مجاوزه دانسته^۲ و با عنایت به معنایی که اهل بیت از رجس (=شک) کرده‌اند، بدرستی بدین راه رفته‌اند که مقصود از اذهاب الرجس از اهل بیت، رفع شکی است که در ذهن و خیال شاگین نسبت به پاکی و طهارت اهل بیت بوده یا می‌تواند وجود داشته باشد بدین معنی که ایشان هم مانند دیگران، در گذشته مسبوق به گناه یا سهو و نسیان بوده باشند و یا در آینده مرتکب آن شوند.

ب: بررسی تفصیلی:

۱- تفصیل بعضی از نکات ادبی و معنایی

۱-۱. یزید فعل متعدی است و مفعول به می‌خواهد حال یا صریحاً مانند: یزید الله بکم الیسر و لایزید بکم العسر^۳، منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة^۴ و یا با آن ناصب ظاهر یا مقدره که به تأویل مصدر می‌رود مانند: یرید الله الایجعل لهم حظاً فی الآخرة،^۵ و الله یرید ان یتوب علیکم،^۶ انما یرید الله لیعدّ بهم بها فی الحیات الدنیا^۷ که در این آیه شریفه، لام یعدّ بهم، لام زائده است که مفید تأکید می‌باشد و مدخول آن که به آن ناصب مقدره به تأویل مصدر می‌رود، مفعول به است به قرینه انما یرید الله ان یعدّ بهم بها فی

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۳۳/۲.

۲. مرعشی: ۵۷۲/۲ و الفاضل الاصفهانی به نقل از ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۵۳/۲.

۳. بقره/۱۸۵.

۴. آل عمران/۱۵۳.

۵. آل عمران/۱۷۶.

۶. نساء/۲۷.

۷. توبه/۵۵.

الدنیا. واما در آیه تطهیر چنانکه پیش از این گذشت بجز قولی شاذ، کسی لام لِيُذْهِبَ را، لام زائده ندانسته است. در نتیجه مفعول به یُرید در تقدیر واقع می‌شود که با آن ناصبه ظاهریه در تقدیر می‌شود: **أَنْ يُنَزَّلَ هَذِهِ الْآيَةَ**.^۱

۱-۲. واما اذهاب الرجس نه از اهل بیت که از شاگین است. چرا که بنابر فرمایش امام باقر **عَلَيْهِ السَّلَامُ** رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَهُوَ الشُّكُّ^۲، و رفع یعنی برداشتن چیزی از چیزی که در آن بوده و به عبارت دیگر زایل کردن. اگر اذهاب الرجس را نسبت بخود اهل بیت بگیریم این امر مثبت رجس در وجود ایشان است و آنان مسبوق به رجس می‌شوند و در نتیجه آیه تطهیر به ضد خود بدل می‌شود. پس باید اذهاب رجس را به غیر ایشان منتسب دانست یعنی به آنانی که درباره ایشان و طهارت و پاکی ایشان دچار شکند و گمان می‌کنند که آنان هم مانند دیگران مسبوق به گناه یا سهو و نسیانند یا در آینده خواهند شد، و در نتیجه معنای سخن امام باقر **عَلَيْهِ السَّلَامُ** هم این می‌شود که الله، شک درباره عصمت اهل بیت را از ذهن شاگین برداشت البته اختیاراً و نه اجباراً یا به اصطلاح متشرعه، تشریحاً و نه تکویناً.

۲. حکمت نزول آیه شریفه:

۱-۲. تصدیق پیامبر اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** و دفع دخل مقدر با تعیین اهل بیت

امام صادق **عَلَيْهِ السَّلَامُ** فرمودند: پس اگر رسول الله ساکت می‌نشستند و اهل بیت خویش را آشکار و واضح معرفی نمی‌نمودند، هر آینه آل فلان و آل فلان ادعا می‌کردند که ایشانند اهل بیت پیامبر و لکن، الله عزّ وجلّ در کتاب خود برای تصدیق پیامبرش آیه تطهیر را نازل کرد. پس علی و فاطمه و حسن و حسین **عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** اصل معنای این آیه‌اند. پس رسول الله **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** دست علی و فاطمه و حسن و حسین **عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** را گرفت و ایشان را زیر کسایی در خانه ام سلمه داخل کرد. سپس فرمود: خدایا برای هر پیامبری اهلی و مایه سنگینی و اعتباری است و

۱. بقره/۸۵.

۲. در ارتباط با آیه «یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذی فی قبلكم». نساء/۲۶، نیز به همین گونه است و مفعول به مقدر، عبارتست از «أَنْ يُنَزَّلَ هَذِهِ الْآيَاتِ». چرا که از آغاز آیه سوم سوره نساء تا آیه بیست و ششم آیاتی نازل شده که همه مبین احکام و سنن الاهی است.

۳. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۲/۳۳۳.

ایشانند اهل بیت من و مایه سنگینی و اعتبار من. پس ام سلمه گفت: آیا من از اهل شما نیستم؟ پس پیامبر ﷺ فرمود: قطعاً شما بر خرید و لکن اهل و ثقل من ایشانند.

۲-۲. اخبار و شهادتی الهیه باشد در قرآن کریم بر عصمت و طهارت اهل بیت و رفع هر شکی در این باره تا در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ که ملاک "حسبنا کتاب الله" می‌شد و حتی پیش از آن بتوان با استناد بدین آیه بر عصمت ایشان، استدلال کرد. چنانکه امیرالمؤمنین از رسول الله نقل کرده‌اند که فرمودند: ... چیست حال و شأن اقوامی که مرا به خاطر خویشاوندانم سرزنش می‌کنند و این در حالی است که بتحقیق از من شنیده‌اند آنچه را که در فضل ایشان و برتری دادنِ الله ایشان را گفته‌ام و آنچه را که الله ایشان را بدان اختصاص داد از حیث اذهاب الرجس عنهم و تطهیر الله اياهم. هان آگاه باشید که الله خلقش را آفرید و آنها را به دو گروه کرد و مرا در گروه بهتر از حیث خانواده قرار داد. پس این است سخن الله که فرمود: "انما يريد الله ليزهد عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً". پس این آیه در باب اهل بیت و عترت من است، من و برادرم علی بن ابیطالب^۳.

و بر همین مبنا بود که امیرالمؤمنین و دیگر ائمه عليهم السلام در باب عصمت خویش، همه استدلال به آیه تطهیر می‌کردند و نه روایات پیامبر اکرم ﷺ^۴.

قرائن مؤیده دیگر

۱. آیات و روایات متضمن عصمت اهل بیت عليهم السلام پیش از نزول آیه تطهیر:

پیش از نزول آیه تطهیر که در سال نهم یا دهم هجری بوده است^۵، آیات و روایات

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۷۳/۱
۲. اول بار این سخن را خلیفه ثانی عمر بن الخطاب گفت در محضر پیامبر اکرم ﷺ (صحیح بخاری باب کتابت العلم من کتاب العلم، ۲۲/۱ و مسند احمد بن حنبل، تحقیق احمد محمد شاکر، حدیث ۳۹۹۲ و طبقات ابن سعد، ۲۴۴/۲، چاپ بیروت). پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، خلیفه اول نیز شعار مذکور را تکرار کرد و از مردم خواست تا بدان عمل کنند ← ترجمه ابی بکر در ذهبی، تذکره الحفاظ، ۲۲/۱-۲۳.
۳. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۲۶/۱.
۴. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۰۸/۱ و ۳۲۱ و ۳۸۹؛ ۳۴۵/۲-۳۵۷.
۵. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۰۸/۲-۳۱۱ و عسکری، حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل بیت، ص ۱۸-۲۰.

بسیاری که متضمن عصمت اهل بیت بوده نازل شده بود که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف: درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

۱. مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ.

یعنی، اگر کسی، اطاعت کند رسول الله را، پس بتحقیق اطاعت کرده است الله را. با توجه بآنکه آیه به صورت قضیه شرطیه نازل شده است، آشکار می‌شود که تحقق اطاعت از الله، مشروط به اطاعت از رسول الله است. حال با این توجه آیا می‌شود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای عصمت نباشد و مرتکب گناه یا سهو یا نسیان بشود ولو یکبار و باز اطاعت از چنین شخصی، معنای اطاعت از الله باشد؟ مسلماً خیر، بنابراین آیه شریفه دلالت دارد بر عصمت همه جانبه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ب: درباره امیرالمؤمنین و دیگر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام:

به تبعیت از عصمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عصمت اوصیاء حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در رأس ایشان ابو الانمه، سید الوصیین امیرالمؤمنین نیز ثابت می‌گردد چرا که در غیر این صورت هدایت الهیه متوقف می‌شد و ضلالت جای آن را می‌گرفت و مردمی که پس از پیامبر می‌آمدند بر خدا حجّت می‌یافتند که چون پیامبر خاتمت رادک نکردیم و پس از او هم کسی را نگذاشتی که هدایت الهیه را، قرآن فهمی را، اسلام شناسی را بدون هیچ کاستی ناشی از گناه و سهو و نسیان به ما برساند، پس به گمراهی افتادیم لذا الله تعالی هم در آیات قرآنی باجمال و هم در حدیث رسول الله به تصریح، عصمت این بزرگواران را بیان فرمود:

۱. اِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

۲. اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم.

یعنی، اطاعت کنید الله را و اطاعت کنید رسول الله را و اولی الامر را که از جنس شمایند

(یعنی بشرند).

۱. نساء/۸۰.

۲. مانده/۵۵، برای تفصیل بیشتر ← شوشتری، احقاق الحق، ۲/۳۹۹-۴۱۵؛ میلانی، نفعات الازهار ۲۰/۴۷

به بعد؛ عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱/۳۳۴-۳۳۵.

۳. نساء/۵۹.

در این آیه شریفه نیز هم‌ردیف آمدن اطاعت از اولی الامر با اطاعت از رسول الله و اطاعت از الله، کاشف آنست که اولی الامر نیز باید معصوم باشند و الا معنای آیه، امر به تبعیت از متناقضین می‌شود که اولاً بر مخلوق قبیح است چه رسد به الله که خالق هستی است و دهنده حکمت^۱ و ثانیاً اجرایش برای مخاطب، محال^۲.

روایات متضمن عصمت اهل بیت علیهم السلام پیش از نزول آیه تطهیر:

۱. قال رسول الله ﷺ: هذا اخي و وليي و ناصري و صفيي و ذخري و كهفي و ظهري و ظهيري و وصيي و زوج كريمتي و اميني و وصيتي و خليفتي.
این سخنان را پیامبر اکرم ﷺ زمانی فرمود که امیرالمؤمنین تازه متولد شده بود و حضرت ﷺ ایشان را پرستاری می‌کرد.^۳
۲. یا خدیجه هذا علی مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی.
یعنی، ای خدیجه! این علی، مولای تو و مولای همه مؤمنین و پیشوای ایشان، پس از من است.

و این سخن را پیامبر اکرم ﷺ، در وقتی فرمود که حضرت خدیجه را دعوت به اسلام کرد و شرط کرد که با آن حضرت ﷺ بیعت نماید بر اسلام و بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی، که ایشان نیز پذیرفت.^۴
۳. اَنْتَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى الْاِنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَلَكِنَّكَ وَزِيرٌ وَ اَنْتَ لَعَلَى خَيْرٍ.

تو می‌شنوی آنچه را که من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را که من می‌بینم جز آنکه تو نبی نیستی و لکن وزیر و کمک کار من هستی و هر آینه پیوسته بر خیری (در دنیا و آخرت).

۱. بقره/۲۶۹، برای تفصیل بیشتر ← شوشتری، احقاق الحق، ۲/۲۹۳ به بعد و تفاسیر روایی مانند تفسیر نور الثقلین ذیل آیه.

۲. برای تفصیل بیشتر ← مجلسی، حیات القلوب (ج ۵) امام شناسی ۵/۵ و شوشتری، احقاق الحق، ۲/۲۹۳.

۳. اثبات الوصیه مسعودی به نقل از شوشتری، بهج الصباغه، ۴/۱۰۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ۱۸/۲۳۳.

این سخنان را پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام گفتند در غار حراء و به هنگام نزول اولین وحی قرآنی^۱.

۴. اِنَّ هَذَا اَخِي وَوَصِيِّي وَ خَلِيْفَتِي فَيَكُم فَاسْتَمْعُوا لَهُ وَ اطِيعُوا.

همانا قطعاً این شخص (علی عَلَيْهِ السَّلَام) برادر من، وصی من، جانشین من در میان شماست پس او را بشنوید و اطاعت کنید.

این سخنان را رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره امیرالمؤمنین در مقابل اجتماعی از مردان بنی عبدالمطلب در سال سوم از بعثت خویش بیان فرمودند.^۲

۵. القاب و اوصافی بسیار از پیامبر اکرم درباره امیرالمؤمنین بیان شده که همگی متضمّن معنای عصمت است: علیّ امام المتّقین، علیّ یعسوب المؤمنین، علیّ سید ولد آدم ما خلأ التّبیین، علیّ خلیفه رسول الله فی امّته من بعده، علیّ وصی رسول الله، علیّ مولی من کان رسول الله مولاه، علیّ احبّ الاوصیاء الی الله، علیّ ولیّ الله، علیّ ابوالائمّه الظاهرین، علیّ قسیم الجنه والتّار، علیّ رایه الهدی و منار الهدی، علیّ ولیّ رسول الله فی الدنیا و الآخره.^۳

۶. اهداء النّبی لفاطمه لوحاً من عند الله فیهِ اسمُ علیّ و سائر الاوصیاء من ولد فاطمه و فیهِ: ما نبیّ الا و جعلتُ له وصیّاً و فیهِ: فضّلْتُک علی جمیع الانبیاء، و وصیّتک علی جمیع الاوصیاء و فیهِ: الحسنُ معدن علم الله و فیهِ: الحسین حجه الله و فیهِ: بعثت الحسین ائیب و اُعاقب و انّ اولهم علیّ زین العابدین. هم مع القرآن و القرآن معهم.

۲. روایات مصرّح بر عصمت اهل بیت، پیش از نزول آیه تطهیر و معرفی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

پیش از نزول آیه

الف: نمونه ای از تصریحات خصوصی

۱. دعاء پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب زفاف امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام، برای

۱. نهج البلاغه، ص ۳۰۰-۳۰۱ خطبه ۱۹۲.

۲. عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۱۱/۱.

۳. برای آشنایی تفصیلی با منابع این روایات که همه از کتب عامّه است ← شوشتری، احقاق الحق، ج ۴.

آن دو بزرگوار، اللهم ائهما منی و انا منهما اللهم اذهب عنی الرجس و طهرتنی فأذهب عنهما الرجس و طهرهما!^۱

الاهی! همانا این دو از منند و من از آن‌دو. الاهی همچنانکه شک دربارۀ عصمت مرا از ذهن شاگین بردی و مرا نسبتی جز طهارت و پاکی ندادی پس، از این دو تن نیز شک را از ذهن شاگین ببر و نسبت پاکی و عصمت ده مرایشان را.

ب: نمونه ای از تصریحات عمومی و معرفی اهل بیت پیش از نزول آیه تطهیر:

۱. چون آیه شریفه "اتما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوٰه و یؤتون الزکوه و هم راکعون" در شأن امیرالمؤمنین نازل شد.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حضور عموم مردم خطبه ایراد کردند که در ضمن آن فرمودند: بدرستی که حال چنین است که بزودی پس از من اقوامی خواهند بود که مرا تکذیب می‌کنند و از ایشان پذیرفته می‌شود و این در حالی است که به الله پناه می‌برم از اینکه جز حق را بگویم یا جز به راستی دربارۀ امر الاهی سخن بگویم و من شما را جز بدانچه الله مرا بدان امر کرده است، امر نمی‌کنم و جز به سوی او (دین او) شما را دعوت نمی‌کنم و بزودی خواهند دانست آنانی که ظلم کردند به کدام جایگاه در خواهند آمد.

در این هنگام عبادۀ بن صامت برخاست و سؤالاتی چند کرد از جمله پرسید: اذاکان ذلک فالی من یا رسول الله؟ هنگامی که این حادثه رخ دهد بسوی چه کسی پناه ببریم ای رسول الله؟

حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمودند: پناه ببرید با شنیدن و پذیرفتن از آنانی که بر همه سبقت گرفته‌اند در ایمان^۳ و از عترت من هستند و از میراث نبوت من (علم و حکمت الاهیة) برخوردارند^۴ چرا که ایشان شما را از گمراهی و ضلالت حفظ می‌کنند و بسوی خیر

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۱/۱۱۳ پانوشت (۳).

۲. برای تفصیل بحث و مستندات آن ← میلانی، نفحات الازهار، ۲۰/۹-۷۰.

۳. بیان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم اشاره دارد به آیه «السابقون السابقون اولئک المقربون» که بنابه روایات و متون درجه اول اهل سنت، در شأن امیرالمؤمنین نازل شده است. جهت تفصیل ← میلانی، نفحات الازهار، ۲۰/۴۰۷-۴۲۴.

۴. بیان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم اشاره دارد به روایتی که طی آن فرمود: ((انا مدینه العلم و علی بابها...)) که دلالت

دعوت می‌نمایند و ایشانند سزاوارترین افراد به حَقِّ و معادنِ راستی؛ آنها، کتاب خدا و سنت مرا زنده می‌دارند و شما را از الحاد و بدعت باز می‌دارند.

ایشانند آن کسانی که الله به همه عالم بدانها وصیت نمود. و خویشاوندانی که الله بدانها در قرآن کریم قسم خورد اسپس به محبت ایشان فرا خواند^۱.

ایشانند کسانی که الله، شک و تردید را درباره ایشان از ذهن همه شاگین برد و ایشان را از هر رجسی پاک کرد. چون سخن گویند راستگویند و چون سوال کرده شوند دانای به جوایند و هرگاه امانتی بپذیرند حافظان آنند. در ایشان ده خصلت است که فقط در ایشان یعنی در عترت و اهل بیت من جمع است: حلم، علم، میراث نبوت، نجابت، بخشندگی، شجاعت، راستی، پاکی، پاکدامنی و داوری.

پس ایشانند همه تقوی و راههای هدایت و بزرگترین حجت الاهی و دستگیره محکم. ایشانند اولیاء شما بنابر سخن ربّتان و من شما را فقط بر مبنای سخن پروردگار امر می‌کنم.

هان هر کس که من مولای اویم پس علیّ مولای اوست. خدایا دوست بدار دوستدار علی را و دشمن بدار دشمن علی را.

و پروردگار من درباره علیّ عَلَيْهِ السَّلَام سه چیز را وحی کرد: ۱. همانا او سرور همه مسلمانان است. ۲. او پیشوای گزیدگان از متّقین است. ۳. و او پیشوای سپیدرویان در روز قیامت است.

به تحقیق رساندم از جانب ربّم آنچه را که بدان مأمور شدم. و ایشان را به الله می‌سپارم در میان شما و از او طلب غفران می‌نمایم^۳.

دارد بر اعلمیت امیرالمؤمنین پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر همه و عصمت آن بزرگوار و اینکه ایشان واسطه علوم نبوی و حافظ آنست و نهایتاً دلالت دارد بر وجوب رجوع به امیرالمؤمنین پس از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. جهت تفصیل ← میلانی، نفحات الازهار، ۱۱/ ۱۵۷-۲۰۰.

۱. نساء/۱.

۲. شوری/۲۳.

۳. میلانی، نفحات الازهار، ۱۶/۳۵۲-۳۵۵. نیز شوشتری، احقاق الحق، ۲/۴۰۱ روایت آمدن عبد الله بن

سخن آخر

صاحب عقبات الانوار در پایان کتاب گرانقدرش چنین نتیجه می‌گیرد که پیامبر اکرم ﷺ، به روشها و اسالیب گوناگون، امیرالمؤمنین را به عنوان امام پس از خود، معرفی فرمود، گاهی به تصریح، گاهی غیر مستقیم و با ذکر اوصاف مستلزم امامت و وصایت و گاهی هم از طریق تشبیه حضرت ﷺ، به چیزی که مفید این معانی باشد (مانند باب حظه، هارون نسبت به موسی و...)'. و بنده نیز عرض می‌کنم که بحث عصمت و طهارت اهل بیت نیز چنانکه بیان گردید به شیوه‌های گوناگون طرح شد تا پیش از نزول آیه تطهیر اذهان کاملاً آماده باشند و آیه تطهیر حجتی باشد ماندگار برای اهل هدایت تا بدانند که اولاً اهل بیت تنها این پنج بزرگوارند: (پیامبر اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا سلام الله علیها و حسنین ﷺ) و ثانیاً در آنچنان جایگاهی از عصمت و طهارتند که جای هیچگونه شکی برای شاکنین نسبت به عصمت همه جانبه ایشان نیست مگر معاند ضلال که این اخبار و شهادت الاهیه را انکار کند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابطحی، سید علی موحد. آیه التطهیر فی احادیث الفریقین. قم: نشر المؤلف، ط الاولی، ۱۴۰۴ هـ.
- ابن عقده. فضائل امیر المومنین ﷺ. حرز الدین عبد الرزاق محمد حسین. قم: دلیل ما، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- ابن هشام. مغنی اللیب. حقه و علقه علیه: الدكتور مازن المبارک و محمد علی حمد الله، قم: مکتبه سید الشهداء، ۱۴۰۶ هـ.
- حلی، علامه حسن بن یوسف. نهج الحق و کشف الصدق. بیروت: دار الکتب اللبنانی، چ اول، ۱۹۸۲ م.
- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد. تذکره الحفاظ. حیدرآباد، ۱۳۷۵ هـ.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- شوشتری، قاضی نور الله. احقاق الحق و ازهاق الباطل. با حواشی مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.

سلام و تنی چند از قومش (یهود) به نزد پیامبر اکرم ﷺ. که نشان می‌دهد آیه ائما ولیکم الله... قبل از آیه تطهیر نازل شده است.

۱. میلانی، نفحات الازهار، ۲۰/۳۵۴.

- شوشتری، محمد تقی. **بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه**. طهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۹ق.
- صبحی صالح. **نهج البلاغه**. قم: هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین. **المیزان**. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن. **تفسیر التبیان**. تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- **آمالی**. قم: دار الثقافه، چ اول، ۱۴۱۴ق.
- طیب، سید عبد الحسین. **تفسیر اطیب البیان**. تهران: انتشارات الاسلام، ۱۳۷۸ش.
- عاملی، سید جعفر مرتضی. **الصحيح من سيره النبي الاعظم**. بیروت: دار الهادی / دار السیره، ۱۴۱۵ق.
- **اهل البيت فی آیه التطهیر**. بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات، چ سوم، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م.
- عسکری، سید مرتضی. **القرآن الکریم و روایات المدرستین**. تهران: شرکت التوحید للنشر، ط الاولی، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- **حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل البيت** عليه السلام. طهران: مؤسسه الزهراء عليها السلام فرع مؤسسه البعثه، ط الخامسه، ۱۴۳۵ق.
- **معالم المدرستین**. تهران: المجمع العلمی الاسلامی، ط الاولی، ۱۴۱۲ق.
- فیروزآبادی، سید مرتضی حسینی یزدی. **السبعه من السلف**. مراجعه و تحقیق: السید مرتضی الرضوی، دار الکتب المصریّه.
- **فضائل الخمسه من الصحاح الستة علامه فیروزآبادی**. ترجمۀ شیخ محمد باقر ساعدی، انتشارات فیروزآبادی، شوال ۱۴۱۵ه / فروردین ۱۳۷۴.
- قزائنی، محسن. **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
- مجلسی، محمد باقر. **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- **حیات القلوب (ج ۵) امام شناسی**. تحقیق سید علی امامیان، قم: انتشارات سرور، چ سوم، ۱۳۸۰ش.
- مصطفوی، حسن. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۸ش.
- مغنیه، محمد جواد. **تفسیر المبین**. قم: بنیاد بعثت، بی تا.
- **تفسیر الکاشف**. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. **مجالس مفید در مناظرات (ترجمه مجالس الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف به المجالس)**. ترجمۀ آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین محقق خوانساری (و: ۱۱۲۵ق) به تصحیح و اهتمام خانبابا مشار، تهران: نوید، چ اول، ۱۳۶۲ش.
- **مسائل الضاغنیه**. قم: کنگره جهانی هزارۀ شیخ مفید، ۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. **الأمثال فی تفسیر کتاب الله المُنزل**. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۴۲۱ق.
- میلانی، سید علی حسینی. **نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار**. قم: نشر المؤلف، ط الاولی، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش.
- هلالی، سلیم بن قیس. **کتاب سلیم بن قیس هلالی**. مصحح: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی، چ اول، ۱۴۰۵ق.